

# تفسیر و رویکردهای معرفتی معاصر

امکن سلیق اصلاحی که بوسنده آن رامکتب  
المثوابات نهادسته مخرب است این مکتب تفسیری این  
است که قرآن بر جع مردگی و بیگانه هرگونه اصلاح  
مورد اظلاو است و میرا نسیری که برای آن ویرامون  
آن شکل گرفته است به گردنهای سخت تبدیل شده  
است، برای این اتفاق به معنی قرآن بدون گذشت از آن  
میتواند معلو تباران مسکن نشسته از جمله این  
تفسیر است، تفسیر بد حمال از برخی آیات قرآن،  
تفسیر محمد عده که محمد رشید رضا آن را پس از  
معاذ و زید و قال تفسیر العمل تقطیم و تکمیل کرد.  
حضر حمال الدین فاسی با عنوان «معاجن الناول» و  
تفسیر المرافع و تفسیر محمد عده در روزه، به عنوان

مجيد مرادي  
معروفي كتاب الانسان والقرآن وجهها لوجه  
نوسنده: احمسيدة البشير  
ناشر: دار الفكر  
محل نشر: دمشق  
سال نشر: ٢٠٠٠م

سالهای دیگر که موقتیه نیز آن تاکده می شد، این  
است که پسر ایشان انتقام را که در عدو عصیونی  
که در خلیل می خواسته بود از خود بگیرد، میخواسته  
لذات چشمکش ایشان را برآورد و میخواسته  
طی تکریدانه ایشان را باز هم میخواسته باشد کارهای  
تعمیری ایشان را بخوبی کرد و بعد از تعمیر این  
محراب را با این ایامیهایی که در آن میگذرد  
جاگاه شریعتی میگذرد و میتوانسته شدید است  
محض اینکه در این میانهایی میگذرد، علمی بریزی، د  
زبان شناسی

# پیش نویس قطعه‌نامه، تاریخ خراسان و امنیت ملی

گزارش از منصوره قلی پور

آنچه که پایه‌ی شورای امنیت را سست کرده، عمل نکردن به اساسنامه و مرآت‌نامه‌ی خود است. در حالیکه بر طبق ماده‌ی ۴۱ و ۴۲ در اساسنامه اش موظف است زمانی وارد تصمیم‌گیری شود که یافته‌ای بر اساس صلح و امنیت داشته باشد. با این حال صاحب‌نظران از زیانی می‌کنند که این شورا یافته‌ای مخصوصی برای انحراف فعالیت‌های هسته‌ی ابران ندارد و به نظر می‌آید اقدامات صورت گرفته در پیک بستر سیاسی شکل می‌گیرد؛ در عین اینکه شورای امنیت ملزم به پاسخگویی در قبال هیچ مرجعی هم نیست. این مطلب در میزگرد «شورای امنیت و تحریره علمی ایران» که در داشتگاه تهران برگزار شد، مصروف گردید.

\*\*\* شکست ۶۶ درصدی تحریرهای دکتر نسرین مصطفاً، مدرس دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران طی سخنانی بالشاره به گفته‌ی کوئی عنان مبنی بر نویسنده پرسش‌های بسیار مهم را درباره رابطه نص با عصر، زمان، مفسر و دیالکتیک حاکم بر این دیگری از تحریر به عنوان ابزار حفظ صنع و امنیت رابطه مطرح می‌کند. به رغم اهمیت طبقه‌بندی ای که نویسنده تصنیف کرده است، توضیحات وی درباره بین‌المللی استفاده کرده، اظهار داشت: امروز مهمنترین تحریرهای از لحاظ اقتصادی است و تحقیقات نشان می‌دهد که این تحریرهای همان تنها آثاری در راستای مقاصد سازمان ملل نداشتند، بلکه به تحکیم آن حکومت‌ها کمک کرده است. به گفته وی؛ پس از دهه‌ی ۹۰، شاهد تحریرهای های هدفمند و هوشمند بوده‌ایم که به رهبران سیاسی تکیه دارند و ابزاری برای رسیدن شورای امنیت به اهدافش بوده است. درحالی که برخی تحقیقات بیانگر فارسی زبان میسر شود، از خواندنی ترین و شکست ۶۶ درصدی سازمان ملل در مورد این تحریرهای بوده است. این استاد داشتگاه استحکام بیشتر رزیم عراق پس از اعمال تحریرهای سازمان ملل در مورد این کشور و

اینتیولوژیک حاصل کردند وی این جهت‌های بر جسته این جریان، از این‌الحول مؤلف کتاب‌های «مناهج التجدید» و «من مدل القرآن» که به تثیت روشن تفسیر بیانی قرآن برداخته است، و نیز همسروی، عائش عبدالحسن، مؤلف کتاب «الفتوحات القرآنية» و محمد احمد خلف الله، مؤلف کتاب «الفتن القصصي» فی القرآن الکریم یاد می‌کند.

۵. آخرین مکتب و روش تفسیری که نویسنده کتاب «الانسان والقرآن و وجه الوجه از آن یاد می‌کند، مکتب تفسیری تأویلی (هرمنویک) است که نقطه عزیمت آن، پویایی متن و تعدد نگره‌های خوانندگان و زوایای دیدشان در برابر نص و دشواری وصول به معنای نهایی نص است؛ البته هرمنویک (تأویل) از نمی‌توان مکتب تفسیری خواند، بلکه این روش، نظر به قرائت‌های مختلفی دارد که به بررسی نص قرآنی، بدون تمایل به استخدام آن در تثیت هیچ ایده‌ای من بردازد. این قرائت‌ها، نص را پدیده‌ای فرهنگی می‌شمارد و روش‌هایی را برای واسازی و تأویل آن، به قصد کشف ویژگی‌های اندیشه‌ای که نص قرآنی برای تأسیس آن آمده است، پیشنهاد می‌کند. مطالعات و پژوهش‌های محمدادرگون، نصر حامدابوزید و فضل الرحمن در این بخش طبقه‌بندی می‌شود.

احمیده الیفر، پس از معرفی رویکردها و مکتب‌های تفسیری پادشاه، چنین ابراز نظر می‌کند که روش شناسی تفسیر به بعد معرفتی، فکری محدود و منحصر نمی‌شود، بلکه ارتیاطی محکم و عمیق به مسئله ایمان و تدین هم دارد، زیرا روش تفسیری ای که نص قرآن را به خدمت استخراج و استحصلال تکیک‌های فقهی و عقیدتی در مرمی آورده، در حقیقت به آن منجر می‌شود که رابطه انسان مؤمن با نصر قرآنی در حد و مرز حوزه استخدام آن محدود نگردد. روشی که نویسنده به آن متمایل است، روش انتقادی.

تاریخی است که می‌تواند پویایی زبان و رمزها و نیروی معنوی و تاریخی وحی را بداند بازگرداند. نویسنده پرسش‌های بسیار مهم را درباره رابطه نص با ادب، زمان، مفسر و دیالکتیک حاکم بر این دیگری از تحریر به عنوان ابزار حفظ صنع و امنیت رابطه مطرح می‌کند. به رغم اهمیت طبقه‌بندی ای که نویسنده تصنیف کرده است، توضیحات وی درباره بارگاهی از آنها گذرا جمالی است و به رغم جانبداری پارهای از آنها گذرا جمالی است و به رغم جانبداری نویسنده از رویکردهای دیگر روش انتقادی، تقدیمی و روش شناختی ای نسبت به غالب آنها را نشده است؛ به مر روى، باید اقرار کرد در میان پژوهش‌های مرتبط با روش شناسی تفسیر قرآن طی سال‌های اخیر، کتاب «انسان و قرآن، چهرو» به چهرو «که امید است خواندن ترجمه آن در زمانی نه چندان دور، برای خوانندگان فارسی زبان میسر شود، از خواندنی ترین و شکست ۶۶ درصدی سازمان ملل در مورد این تحریرهای بوده است. این استاد داشتگاه استحکام بیشتر رزیم عراق پس از اعمال تحریرهای سازمان ملل در مورد این کشور و

ظهور گفتمان ایدنولوژیک، راهنمایی از این مدل‌ها بر جریان، واقع گرایی زجال‌العناد را به نهاد توین‌حد ممکن نمود.

نویسنده در پاسخ به این پرسش از این مدل‌ها وابسته به این جریان، به لحاظ معوقتی توائیست. مفهوم اصلاح اجتماعی را چندان گشترش دهنده که به گفتمانی ایدنولوژیک تبدیل شود، به قرن پنجم هجری بازمی‌گردد و نظریه پردازی عزالت درباره نص مقدس را که در کتاب «الخطأ علوم الدين» و «جواهر القرآن» آورده پاد آور می‌شود. وی معتقد است که همین نظریه این جریان (ایدنولوژیک) را ادادشته، تابه خود اجازه چنین تعاملی با نص را بددهد.

وی اندکاره و نظریه عزالت را چنین توضیح می‌دهد: انگاره عزالت از نص و اهداف آن، در ضمن ساختار اندیشه دینی، بر دو مبنای استوار است که یکی اشعاری کلامی و دومی صوفیانه و گنوی است. عزالت اندکاره اشعاری را درباره کلام خدا که آن را صفتی از صفات ذات الهی می‌داند، پذیرفته است و در تعیین غایت و هدف وجود انسان در عرصه حیات که تحقق رستگاری در آخرت است، تحت تأثیر متصوفه قرار گرفته است. با ترکیب این دو بعد، ابوحامد عزالت در کتاب احیا و جواهره این ایده دست می‌یابد که حل معضلات معاصر، جز با بازگشت به گذشته میسر نیست براساس بعدنخست، وضع کوتولی تجسم فساد و انحراف از هنجارهای اصلی دین است؛ در حالی که گذشته، الگوی طهارت و تحقق عینی وحی است.

از بعد دوم نیز همه علم و حقائق و تیر معرفت، از ای و نهفته در نص است و هیچ پیوندی با کنش انسانی ندارند و اگر قرآن سرجشمه علوم است، مفسر ایدنولوژی گرای معاصر نیز وظیفه خود می‌داند تا موضع صریح خود را نسبت به رابطه قرآن با واقعیت، تاریخ، حرکت و فرهنگ مشخص کند و این همان کاری است که دو شی از چهره‌های بر جسته این جریان، یعنی سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» و طنطاوی جوهری در «تفسیر الجواهر» انجام داده‌اند. این دو به دو رویکرد متفاوت و متضاد گرایش دارند: سید قطب رویکردی مبارزه جو و طنطاوی رویکردی علمی دارد؛ ولی هر دو ایدنولوژیک باقی می‌مانند. این گفتن، روش فراتاریخی دارد که فهم نص را در خارج از اعتبارات زمانی و مکانی جست و جو می‌کند.

الیفر، علاوه بر سید قطب و طنطاوی، عبدالرحمان کواکبی راهنمای تأویلی مقالاتش که کوشید، برآسان روشی علمی قرآن را تفسیر کند، در این جریان طبقه‌بندی می‌کند. وی از حسن حقیقی، صاحب پروژه بازخوانی میرزا و محمد ابوالقاسم حاج حمد، مؤلف کتاب «العلمية الإسلامية الثانية» نیز به عنوان قرآن پژوهان ایدنولوژی کرمان می‌برد.

۴. مکتب تفسیر توگرا که نویسنده مقطع ظهور، آن را به دهه چهل قرن بیست باز می‌گرداند. نویسنده بر آن است که از دهه چهل، نشانه جریان تازه‌ای در